

## تحلیل تغییر رفتار واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی در اثر توسعه سکونتگاهی (مطالعه موردی: حوضه آبریز چشمه کیله تنگابن)

عزت‌الله قنواتی<sup>۱</sup>؛ دانشیار ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

علی احمدآبادی؛ استادیار ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

امیر صفاری؛ دانشیار ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.  
مسعود رجائی؛ دانشجوی دکتری ژئومورفولوژی، گروه جغرافیای طبیعی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷

### چکیده

تغییرات کاربری اراضی و پوشش گیاهی به‌طور مستقیم منجر به تغییر رژیم هیدرولوژیکی به‌خصوص ضریب رواناب و تغییرات دبی حداکثر لحظه‌ای می‌شود. بخش زیادی از تغییرات کاربری اراضی به‌واسطه توسعه سکونتگاهی رخ داده است که این امر، در مناطق شمالی کشور منجر به کاهش اراضی جنگلی و مرتعی درجه یک و زمین‌های کشاورزی شده است؛ این موضوع منجر به افزایش مخاطره سیلاب در این مناطق و مناطق شهری پایین دست شده است. حوضه چشمه کیله به‌عنوان یکی از حوضه‌های آبریز شمال کشور در دهه اخیر شاهد وقوع سیلاب‌های مختلفی بوده است؛ بنابراین در این تحقیق با استخراج واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی حوضه چشمه کیله به‌منظور شناسایی تغییرات پوشش گیاهی و کاربری اراضی این واحدها و تأثیر این تغییرات بر رفتار هیدرولوژیکی حوضه که ضریب رواناب به‌عنوان یکی از این رفتارها در این بازه زمانی ۲۹ ساله (۲۰۱۸-۱۹۹۱) است، پرداخته شد. لذا در این تحقیق، واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی به‌عنوان واحد کاری برای تعیین پتانسیل تولید رواناب حوضه آبریز چشمه کیله شناسایی و استخراج شده است. به‌منظور پایش تغییرات تراکم و میزان پوشش گیاهی با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای منطقه مطالعاتی در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۱۸ از شاخص تفاضل گیاهی نرمال شده استفاده شد؛ سپس با تلفیق لایه گروه‌های هیدرولوژیکی و کاربری اراضی، برای هر یک از واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی میزان شماره منحنی مشخص شد. با توجه به مقادیر شماره منحنی به‌دست آمده برای هر واحد پاسخ هیدرولوژیکی، مقدار توان نگهداشت رطوبت خاک استخراج شد. در نهایت، با محاسبه مقادیر متوسط ماهیانه، میزان رواناب حاصل از بارندگی برای سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۱۸ برآورد شد. نتیجه تحقیق گویای کاهش میزان و تراکم پوشش گیاهی، افزایش مقدار شماره منحنی، کاهش میزان نفوذپذیری خاک و همچنین افزایش ارتفاع رواناب تولیدی در طول بازه زمانی ۲۹ ساله (۲۰۱۸-۱۹۹۱) در حوضه چشمه کیله (به‌ویژه قسمت‌های شمال حوضه) است؛ به عبارت‌تی توسعه سکونتگاهی، تغییر کاربری اراضی و تضعیف پوشش گیاهی باعث تشدید سیل‌خیزی حوضه شده است؛ بنابراین ضرورت انجام عملیات آبخیزداری در بالادست به منظور افزایش نفوذپذیری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: واحد پاسخ هیدرولوژیکی، حوضه چشمه کیله، رواناب، شاخص تفاضل گیاهی نرمال شده، مدل بارش-رواناب.

## مقدمه

حیات بشر روی کره زمین موجب بروز تحولات عظیمی بر سطح زمین شده است که از آن جمله می‌توان به تخریب جنگل‌ها و مراتع در سطح وسیع و ایجاد زمین‌های کشاورزی دیم اشاره کرد. این عوامل تأثیر زیادی در سیل‌خیزی دارند. علاوه بر شرایط محیط طبیعی، فعالیت‌های انسانی و عدم برنامه‌ریزی صحیح نیز باعث ایجاد و افزایش فراوانی و حجم و همچنین خسارات مالی و جانی ناشی از سیلاب می‌شود (قنواتی، ۱۳۹۲). تغییرات کاربری اراضی باعث تغییر در سیکل هیدرولوژیکی حوضه شده و در نتیجه باعث تغییر تعادل آب بین بارش، تبخیر، نفوذپذیری و پاسخ رواناب می‌شوند (Marcos et al, ۲۰۰۳). با توجه به این‌که برای جلوگیری از بروز این‌گونه پدیده‌های زیانبار در حال حاضر نمی‌توان در عوامل و عناصر جوی تغییری ایجاد کرد، هرگونه راه‌حل اصولی و چاره‌ساز را باید در روی زمین و اختصاصاً در حوضه‌های آبخیز جست‌وجو کرد (امیری، ۱۳۸۵). در یک اکوسیستم طبیعی، بهره‌برداری از زمین و ایجاد تغییر در شرایط به‌ویژه پوشش گیاهی و کاربری اراضی آن اکوسیستم، بر پاسخ‌های هیدرولوژی مانند جاری شدن سیلاب و میزان فرسایش و رسوب منطقه تأثیرگذار است؛ زیرا کاربری اراضی و پوشش زمین از عوامل اصلی در مطالعات منابع آب و فرسایش رسوب حوضه‌ی آبخیزند (Sika et al, ۲۰۰۳). ارزیابی تأثیر تغییرات کاربری اراضی بر هیدرولوژی، پایه و اساس مدیریت حوضه‌ی آبریز و بازسازی محیط‌زیست است (Nie et al, ۲۰۱۱). مطالعات نشان داده است که تغییر پوشش سطح زمین به‌صورت طبیعی و یا توسط انسان می‌تواند تأثیر به‌سزایی در چرخه هیدرولوژیکی منطقه داشته باشد و این تأثیر در قالب افزایش دبی اوج و حجم رواناب سطحی (Shi et al, ۲۰۰۷)، افزایش پتانسیل ریسک سیلاب (Nirupama and Simonovic, ۲۰۰۷) و کاهش کیفیت آب (Xian et al, ۲۰۰۷) ظاهر خواهند شد. تغییر کاربری اراضی به‌عنوان یکی از چالش‌های عمده در قرن ۲۱ مطرح است و برخی حتی اعتقاد به شدیدتر بودن تأثیر آن نسبت به پدیده تغییر اقلیم دارند (Sala et al, ۲۰۰۰). برآورد نتایج حاصل از تغییرات پوشش گیاهی و پوشش زمین یکی از موضوعات اخیر در مدل‌های هیدرولوژیکی شده است (Yang et al, ۲۰۱۲) این امر می‌تواند برای برنامه‌ریزی و بهره‌برداری از پروژه‌های منابع آب داخلی و برای هشدار زودهنگام سیل ضروری باشد (Du et al, ۲۰۱۲)؛ باوجود این تحلیل، تأثیر تغییر کاربری بر فراوانی سیلاب مسئله‌ای پیچیده به نظر می‌رسد که به خاطر کمبود داده‌های سیلاب و همچنین فرایند توسعه‌ی غیرایستا و پویای نواحی ساخته‌شده است (Suriya and Mudgal, ۲۰۱۲). درکل درک بهتر و ارزیابی تأثیر تغییر کاربری اراضی در فرآیندهای هیدرولوژیکی حوضه برای پیش‌بینی و کاهش خطرات سیل و همچنین برای برنامه‌ریزی و توسعه پایدار مدیریت حوضه اهمیت دارد (Chen et al, ۲۰۰۹). لذا پیش‌بینی رواناب حاصل از بارش‌های جوی و درک کمی فرآیندهای مختلف تولید آن به‌عنوان یکی از مباحث مهم و بنیادی در دانش هیدرولوژی به شمار می‌رود. تعیین کمی و کیفی رواناب به‌عنوان مبنای مطالعاتی طرح‌های عمرانی به‌منظور توسعه و بهره‌برداری از منابع آب در حوزه‌های آبخیز است (Singh, ۱۹۹۸). واحد مطالعاتی تحقیق به‌خصوص در مطالعات رواناب و رسوب تأثیر به‌سزایی در نتایج تحقیق خواهد داشت. در بین محققین ژئومورفولوژی و سایر محققین علوم زمین، حوضه‌ی آبریز به‌عنوان اصلی‌ترین واحد مطالعاتی شناخته می‌شود که واحد مطالعاتی طبیعی و مناسب به نظر می‌رسد؛ اما در مطالعات رواناب و رسوب نیاز است که داخل حوضه‌ی آبریز نیز به واحدهای فرعی مشخص و همگنی تقسیم گردد تا در هر واحد شرایط عوامل اثرگذار بر فرسایش یا میزان رواناب موردبررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد حوضه‌ی آبریز فرعی برای این منظور مناسب نباشد؛ زیرا در حوضه‌ی آبریز فرعی ممکن است شرایط شیب، لیتولوژی، پوشش گیاهی و ... همگنی وجود نداشته باشد، به همین علت نتایج واقعی از شرایط

تولید رسوب و رواناب به دست نیاید. در این تحقیق، واحدهای پاسخ هیدرولوژیک (اچ.آر.یو) به عنوان کوچک‌ترین واحد مطالعاتی، معرفی گردیده و برای برآورد نقشه‌ی پتانسیل تولید رواناب به کار گرفته شد (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۹۴). لذا به منظور برآورد رواناب در واحد اچ.آر.یو به دلیل محدودیت در تعداد و پراکندگی ایستگاه‌های هیدرومتری از روش بارش-رواناب<sup>۱</sup> استفاده شده است. در مورد کاربرد روش شماره منحنی در برآورد رواناب، تحقیقات گسترده‌ای در سراسر دنیا صورت گرفته است؛ از جمله ثروتی و همکاران (۱۳۹۲)، با تهیه نقشه‌های کاربری اراضی و گروه هیدرولوژیک خاک و تلفیق این نقشه‌ها در محیط سیستم اطلاعات جغرافیایی و با استفاده از روش بارش-رواناب، نقشه شماره منحنی و نفوذ حوضه را تهیه کردند و در نهایت حوضه را به چهار طبقه بسیار بالا، بالا، متوسط و کم از لحاظ پتانسیل سیل‌خیزی تقسیم کردند. همچنین لاجوردی و همکاران (۱۳۹۲)، به پهنه‌بندی پتانسیل سیل‌خیزی حوضه آبریز مردق‌چای (آذربایجان شرقی) اقدام کردند. آن‌ها در این پژوهش به برآورد ضریب رواناب و حداکثر دبی سیل، شناخت عوامل و عناصر مؤثر در سیل‌خیزی، به پهنه‌بندی مناطق بر اساس شدت پتانسیل سیل‌خیزی حوضه آبریز پرداخته‌اند. تأثیر پوشش گیاهی روی نفوذ آب و میزان رواناب در اراضی نیز به وسیله تعدادی از محققان بررسی شده است. از جمله بهشتی‌جاوید و همکاران (۱۳۹۷)، تأثیر مورفومتری لندفرم‌ها بر روی سیل‌خیزی حوضه‌های شمالی کوهستان سبلان را ارزیابی کردند. نتیجه تحقیق در منطقه مورد مطالعه نشان داد که قسمت زیادی از مناطق جنوبی با وجود اینکه بارش بیشتری از مناطق شمالی دریافت می‌کنند؛ اما از نظر سیل‌خیزی در پهنه‌های کم و خیلی کم قرار می‌گیرند که علت آن مورفومتری خاص لندفرم‌ها و تأثیر نوع این لندفرم‌ها در سیل‌خیزی مناطق است. قنواتی و همکاران (۱۳۹۵)، نیز به مطالعه و بررسی ویژگی‌های هیدروژئومورفولوژیک حوضه‌های آبریز کلان‌شهر تهران با تأکید بر سیل‌خیزی پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، به علت تأثیرات خصوصیات فیزیوگرافیک حوضه‌های آبریز مسلط بر کلان‌شهر تهران، از جمله، شکل حوضه‌ها، مساحت و طول کم آبراهه‌های اصلی، وجود اختلاف ارتفاع و شیب زیاد شمالی- جنوبی، فاصله کم بین حوضه دریافت و بخش خروجی حوضه‌ها و کوتاهی زمان تمرکز و مداخلات انسانی، رواناب‌های حاصل از بارندگی در مدت زمان اندک وارد پیکره شهری می‌گردد. همچنین میلر و هس (Miller and Hess, ۲۰۱۷) در پژوهشی به مطالعه تأثیرات شهرنشینی بر سیلاب در راستای تغییرات شهری- روستایی پرداختند. در یک دوره چهار ساله یک شبکه مانیتورینگ با وضوح بالا در ۸ حوضه جنوب انگلستان اعم از روستایی و شهری به کار گرفته شد. نتایج نشان داد، تفاوت‌هایی در پاسخ هیدرولوژیکی بین حوضه‌های شهری و روستایی مشاهده شده است. حجم رواناب و زمان پاسخ به سیلاب اختلافات (تغییرات) روستایی - شهری تبعیت نمی‌کند. رطوبت موجود در خاک تغییری را در رواناب تحت پوشش مناطق شهری ایجاد نمی‌کند. اندازه‌گیری‌های مکانی (فضایی) شهرنشینی به تنهایی برای مشخص کردن سیلاب در حوضه‌های شهری کافی نیست.

فراوانی رخداد سیل در ایران از سال ۱۳۳۰ روندی افزایشی داشته است. به گونه‌ای که افزایش سالانه شمار سیل‌ها در بازه سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۹۱ نزدیک به ۴ درصد و افزایش آسیب‌های مالی نزدیک به ۶ درصد بوده است (صادقی، ۱۳۸۸). همچنین در طول چند سال اخیر سیلاب‌های پیاپی در منطقه چشمه کیله باعث ایجاد خسارت‌های جبران‌ناپذیری شده است. نکته قابل توجه در منطقه‌ی مورد بحث آن است که بدون بارش نیز شاهد سیلاب هستیم که تهدید شدیدی برای حوضه شهری این منطقه به شمار می‌آید. در بالادست حوضه، ارتفاعات دو هزار و سه هزار قرار دارد

۱. SCS-CN

که در فصل سرد میزان بارندگی (برف) بسیاری دریافت می‌کنند و در فصل گرم ذوب شدن این برف‌ها، شکل‌گیری رواناب و در نهایت سیلاب را تشدید می‌نماید (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴). شاخه اصلی رودخانه چشمه کیله از مرکز شهر تنکابن عبور می‌کند که این امر نیز تهدیدات مخاطره‌آمیز را دو چندان می‌کند. در سال‌های اخیر وقوع سیل خسارت‌های مالی و جانی بسیاری را برجای گذاشته که می‌توان به سیلاب مرداد سال ۱۳۹۰ اشاره کرد. در سال ۱۳۹۰ سیل ناشی از طغیان رودخانه‌های منطقه خسارت‌هایی را به مزارع پرورش ماهی این مناطق وارد کرد. همچنین در مهرماه سال ۱۳۹۴ مقدار بارش ۲۵۴ میلی‌متر در یک روز موجب تخریب پل قدیمی جانبازان و خسارت بسیاری شد (شکل ۱). در سال ۱۳۹۶ نیز سیلاب بار دیگر خسارت‌های زیاد برجای گذاشت به طوری که میزان دبی رودخانه دو هزار و سه هزار به هنگام وقوع طغیان رودخانه حدود ۱۰۰ مترمکعب بر ثانیه بود که به دلیل شیب تند رودخانه و حجم بالای آب، کلیه سر دهنه سنتی رودخانه چشمه کیله تخریب شد. در مهرماه سال ۱۳۹۷ به دنبال یک بارش ۲۴ ساعته به میزان ۳۷۴ میلی‌متر، سیلاب سهمگینی در رودخانه چشمه کیله با دبی حدود ۴۵۰ مترمکعب بر ثانیه به وقوع پیوست که در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده و خسارت زیادی به همراه داشت. سیل سبب تخریب و مسدود شدن جاده‌های اصلی و فرعی و آسیب جدی به چندین دهنه پل و تخریب بخشی از پارک چشمه کیله و خیابان زیرگذر پل قدیمی در مرکز شهر تنکابن شد (شکل ۲). سیل مهرماه ۱۳۹۷ به بخش کشاورزی شامل ۳ هزار و ۲۴۴ هکتار از باغات مرکبات، کیوی و گل و گیاه، ۸۰ هکتار از اراضی زراعی، ۳۷۰ رأس دام، ۴ هزار و ۲۲۰ قطعه طیور، زنبورستان‌ها، ساختمان و تأسیسات کشاورزی، منابع آبی و تأسیسات فنی و زیر بنایی، جاده بین مزارع و دیوار حفاظتی، آبیزان و پرورش ماهی، جاده‌های ارتباطی، پل‌ها، مناطق مسکونی و تجاری بالغ بر ۷۰۰ میلیارد تومان خسارت وارد نمود (شرکت سهامی آب منطقه‌ای مازندران، ۱۳۹۷).



شکل (۲) تخریب خیابان زیرگذر پل چشمه کیله واقع در مرکز شهر تنکابن (مهر ۱۳۹۷)



شکل (۱) سیلابی شدن رودخانه چشمه کیله و تخریب پل جانبازان (مهر ۱۳۹۴)

(نگارنده ۱۳۹۷)

از آنجایی که رشد سکونتگاهی (شهری و روستایی) با ایجاد سطوح نفوذناپذیر و ایجاد جوی‌ها در خیابان‌ها و جوی‌های کم‌عمق داخل کوچه‌ها که در تبعیت کامل با احداث خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها هستند، همراه بوده و باعث ایجاد تغییر در وضعیت توپوگرافی در پهنه سکونتگاه‌ها و در نتیجه تغییر مستقیم در تولید رواناب‌ها، سیلاب‌ها و روند حرکت و تخلیه آن‌ها می‌شود. پیامد چنین تغییراتی، ضمن ایجاد مسائلی مانند آب‌گرفتگی گذرگاه‌ها و انباشت سیلاب‌ها همراه با زباله‌های شهری و روستایی در نقاط معینی و اختلال در تردها و به وجود آمدن ترافیک‌های سنگین، باعث وارد آمدن آسیب‌های اقتصادی زیاد و گاهی خسارت‌های جانی نیز می‌شود (رئسی، ۱۳۸۸)؛ بنابراین، شناسایی و تعیین عوامل تهدید و حل دشواری‌های ناشی از آن‌ها اهمیت بسیار یافته است. با تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی به سطوح

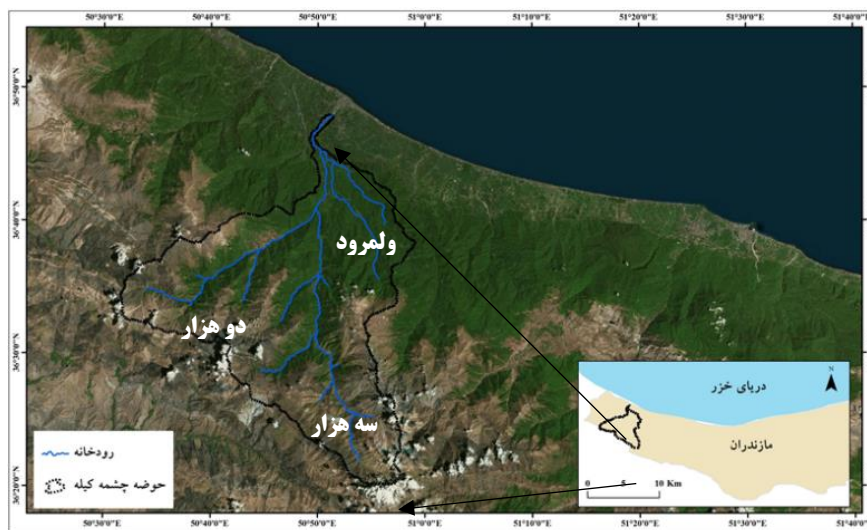
نفوذناپذیر سکونتگاهی و پیامد آن رخداد رواناب‌های سرکش، سیلاب‌ها و گاهی سیلاب‌های ویرانگر باعث آسیب‌های مالی و جانی فراوان می‌شود. برای کاهش این خسارت‌ها، کنترل، هدایت و سرانجام مدیریت سیلاب‌ها امری اجتناب‌ناپذیر می‌شود. لذا، با توجه به تمامی مسائل و مشکلاتی که در باب سیل‌خیزی حوضه مطالعاتی ذکر شد و اینکه اکثر نقاط جمعیتی و بسیاری از اراضی کشاورزی در معرض خطر سیل و فرسایش قرار دارند؛ هدف این تحقیق، شناسایی و تحلیل تغییرات کاربری اراضی و پوشش گیاهی در واحد مطالعاتی واحدهای پاسخ هیدرولوژیک و تأثیر آن بر تولید رواناب و سیل‌خیزی حوضه چشمه کیله در اثر توسعه سکونتگاهی است و در این زمینه بر واحدهای همگن پاسخ هیدرولوژیک بعنوان کوچکترین واحد مطالعاتی تاکید دارد که از نقاط قوت این تحقیق نیز محسوب می‌شود.

## داده‌ها و روش کار

### • معرفی قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه

حوضه آبریز رودخانه چشمه کیله در غرب استان مازندران واقع در شهرستان تنکابن و در بخش شمالی رشته‌کوه البرز مرکزی قرار دارد. بلندترین نقطه ارتفاعی حوضه ۴۸۰۰ متر منطبق با علم‌کوه و حداقل ارتفاع ۲۰- متر کنار ساحل دریای خزر در شهر تنکابن است.

رودخانه چشمه کیله یکی از رودخانه‌های حوضه آبریز دریای خزر است. رودخانه مرکب از دو شاخه اصلی به نام دو هزار و سه هزار است که در ارتفاع حدود ۴۵۰ متری از سطح دریا به هم رسیده و تشکیل رودخانه چشمه کیله را می‌دهند. بستر هر دو شاخه پرشیب بوده و آب آن‌ها ناشی از چشمه‌ها و ذوب برف است. همچنین هر دو دارای رسوب کم و آبی با کیفیت مطلوب هستند. رودخانه بعد از تلاقی دو شاخه در بستری آبرفتی مرکب از سنگ‌های بزرگ جریان داشته و در ۶ کیلومتری دریا وارد جلگه می‌شود. این رودخانه در ردیف پرآب‌ترین رودخانه غرب مازندران و دارای رژیم منظم در فصول مختلف سال است. دوره پرآبی رودخانه در بهار است. طول رودخانه چشمه کیله ۸۰ کیلومتر بوده و وسعت حوضه آبریز آن حدود ۱۳۵۰ کیلومترمربع است که قسمت اعظم آن کوهستانی، مرتفع و پوشیده از جنگل و دارای رژیم بارانی و برفی است (ربانی‌ها، ۱۳۹۵) (شکل ۲).



شکل (۳) موقعیت حوضه مطالعاتی

### • روش کار

به منظور برآورد پتانسیل سیل خیزی به روش بارش-رواناب، از داده‌ها و فاکتورهای اثرگذار استفاده شده است. لایه مدل رقومی ارتفاع<sup>۱</sup> منطقه با استفاده از نقشه‌ی پایه توپوگرافی مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح) استخراج و سپس رقومی گردید. همچنین به منظور تعیین نفوذپذیری هر یک از سازندهای موجود در حوضه از نقشه زمین‌شناسی و بافت خاک استفاده گردید. گروه‌های هیدرولوژیک خاک‌های حوضه آبخیز چشمه کیله، از لایه خاک فائو با مقیاس ۱:۵۰۰۰۰۰ استخراج گردیده است. همچنین کاربری‌های اراضی (وضعیت اراضی بهره‌برداری) حوضه چشمه کیله با استفاده از لایه کاربری ۱:۲۵۰۰۰۰ که توسط سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تهیه و استخراج گردیده و هر کدام از کاربری‌های موجود برای حوضه رقومی شده است. وضعیت پوشش گیاهی حوضه، تراکم مراتع و پوشش جنگلی با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای یعنی تصویر آلی<sup>۲</sup> تاریخ ۲۰۱۸ ماهواره لندست ۸ و تصویر تی.ام<sup>۳</sup> تاریخ ۱۹۹۱ مربوط به ماهواره لندست ۵، مشخص شده است. برای تعیین حداکثر بارندگی ۲۴ ساعته نیز از آمار حداکثر بارندگی روزانه ایستگاه‌های باران‌سنجی وزارت نیرو و کلیماتولوژی و سینوپتیک حوضه و مجاور آن (نوشهر، رامسر، سیاه‌بیشه، تالرسر، خشکهداران و قزوین) در طول دوره آماری ۲۹ ساله (۲۰۱۸-۱۹۹۱) استفاده گردیده است. برای تهیه‌ی لایه‌های اطلاعاتی و تجزیه و تحلیل آن‌ها از نرم‌افزار آرک جی.آی.اس<sup>۴</sup> استفاده گردیده است.

روش تحقیق با توجه به هدف مطرح‌شده مشتمل بر شیوه‌های زیر است:

۱. مطالعات کتابخانه‌ای: در این مرحله ضمن مروری بر پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه مورد مطالعه به بررسی کتب، اسناد و مقالات در خصوص مدل‌ها و روش‌های علمی و مفهومی، مفاهیم و مسائل مرتبط با پتانسیل تولید رواناب و شناسایی عوامل و پارامترهای مؤثر بر آن پرداخته شد.
۲. جمع‌آوری، آماده‌سازی و پردازش اطلاعات: این مرحله شامل اقداماتی در جهت تهیه و آماده‌سازی لایه‌های اطلاعاتی مورد نیاز است. همچنین همان‌طور که در مقدمه هم اشاره شد، تولید اچ.آر.یو به‌عنوان واحد پایه جهت مطالعات هیدرولوژیکی و استخراج ان.دی.وی.آی به‌منظور بررسی و شناخت تراکم و تغییرات پوشش گیاهی در بازه زمانی ۲۹ ساله از فعالیت‌های صورت‌گرفته در این مرحله است.

### • واحد پاسخ هیدرولوژیک<sup>۵</sup>

واحد پاسخ هیدرولوژیک به‌عنوان یک مفهوم توسط فلوجل در سال ۱۹۹۵ مطرح شد (Sanzana et al, ۲۰۱۳). این واحدها، بخش‌هایی از حوضه‌های آبریز هستند که دارای کاربری زمین، اطلاعات خاک و شیب و غیره یکسان‌اند که از همپوشانی لایه‌های چندضلعی ایجاد می‌شوند (Flugel, ۱۹۹۵) و اطلاعاتی مثل کاربری‌های زمین، انواع خاک، زیرحوضه‌ها و زمین‌شناسی را به دست می‌دهند. لایه‌های خطی اعم از عناصر طبیعی یا مصنوعی حوضه‌ی زهکشی می‌تواند با یک واحد پاسخ هیدرولوژیک تلفیق شود (Su et al, ۱۹۹۷). در نتیجه شبکه‌های هیدرولوژیکی از سطوحی چندضلعی با اشکال نامنظم هندسی شکل می‌گیرد که برای نمایش پدیده‌های «انسان‌ساخت» که حاکی از تأثیرات مهم

۱. Digital Elevation Model (DEM)

۲. OLI

۳. TM

۴. ArcGIS ۱۰,۲

۵. Hydrologic Response Units (HRU)

فرآیندهای هیدرولوژیکی در حوضه‌های آبریز است، مناسب است (Lagacherie, ۲۰۱۰). از طرفی با ارائه ویژگی‌های مختلف یک واحد، کاربر می‌تواند با مطالعه ویژگی هر واحد با توجه به تراکم کاربری، خاک و ویژگی‌های توپوگرافی مثل شیب واحد مناسب هدف خود را انتخاب کند. به‌طور کلی واحدهای پاسخ هیدرولوژیک شناختی کلی از یک ناحیه از حوضه را برای کاربر می‌تواند ارائه دهد. در این تحقیق استخراج واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی در محدوده مطالعاتی در قالب ساختار داده رستری<sup>۱</sup> به‌وسیله نرم‌افزار آرک سوات<sup>۲</sup> انجام گرفته است.

#### • اندازه‌گیری سبزی‌نگی با استفاده از تصاویر ماهواره لندست

پس از تهیه داده‌های دورسنجی در دسترس برای منطقه، میزان و تراکم پوشش گیاهی در محیط نرم‌افزاری اِردس<sup>۳</sup> استخراج شد.

یکی از شاخص‌هایی که در زمینه پایش تغییرات پوشش گیاهی کاربردهای فراوانی دارد شاخص تفاضل گیاهی نرمال شده<sup>۴</sup> است (Rouse et al, ۱۹۷۳).

$$NDVI = \frac{NIR - RED}{NIR + RED}$$

رابطه (۱)

که در آن:

NIR و RED به ترتیب بازتابش طیفی باند مادون قرمز نزدیک (باند ۲ سنجنده مادیس<sup>۵</sup> در محدوده ۸۴۱ تا ۸۷۶ نانومتر) و باند قرمز (باند ۱ سنجنده مادیس در محدوده ۶۲۰ تا ۶۷۰) است. دامنه این شاخص از -۱ تا +۱ متغیر است. دامنه شاخص تفاضل گیاهی نرمال شده برای پوشش گیاهی سبز از حدود ۰/۱ تا ۰/۸ (سبزی‌نگی و تراکم گیاهی بالا) است. بنابراین این شاخص می‌تواند میزان رشد و توزیع گیاه را نشان دهد.

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری: در این مرحله کلیه نقشه‌های معیارهای مؤثر، با استفاده از مدل بارش-رواناب با یکدیگر ترکیب شده و ارتفاع رواناب تولیدی در حوضه مطالعاتی مشخص گردیده است.

#### • روش اس.سی.اس<sup>۶</sup>

به‌منظور برآورد میزان رواناب ناشی از بارندگی‌ها چه از نظر حجم رواناب و چه از نظر شدت جریان در بازه‌های زمانی مختلف، روش‌های زیادی وجود دارد. از جمله روش‌های معمول در هیدرولوژی روش سازمان حفاظت خاک آمریکا است که به دنبال مطالعات شرمین (۱۹۴۹) در مورد ارائه هیدروگراف واحد از رابطه‌ی بارندگی و رواناب، توسط سازمان مذکور ارائه شده است (محمدی و پناهی، ۱۳۸۵). در این روش ارتفاع رواناب حاصله از یک بارندگی به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$R = \frac{(P - 0.2S)^2}{(P + 0.8S)}$$

۱. Raster

۲. ArcSWAT<sup>۱۰،۲</sup>

۳. ERDAS<sup>۹،۱</sup>

۴. Normalized Difference Vegetation Index (NDVI)

۵. MODIS

۶. Soil Conservation Service (SCS)

رابطه (۲)

$R =$  ارتفاع رواناب برحسب میلی‌متر

$P =$  ارتفاع بارندگی برحسب میلی‌متر

برای محاسبه ارتفاع بارندگی در منطقه مورد مطالعه، مقادیر متوسط ماهیانه بارش ۶ ایستگاه باران‌سنجی هیدرومتری نزدیک به حوضه (نوشهر، رامسر، سیاه‌بیشه، تلارسر، خشکه‌داران و قزوین) برای هر واحد پاسخ هیدرولوژیکی از طریق عملیات درون‌یابی<sup>۱</sup> در نرم‌افزار آرک‌مپ<sup>۲</sup> محاسبه شد.

$S =$  عامل نگهداشت رطوبت خاک برحسب میلی‌متر که مقدار آن برابر است با رابطه‌ی زیر:

$$S = \frac{25400}{CN} - 254$$

رابطه (۳)

در این معادله سی‌ان<sup>۳</sup>، شماره‌ی منحنی مربوط به مقدار نفوذ آب در حوضه است. مقدار سی‌ان بین صفر و ۱۰۰ متغیر است. در سی‌ان برابر صفر، روانابی از بارندگی حاصل نیامده و در سی‌ان برابر ۱۰۰ تمامی بارش در سطح زمین جریان یافته و ارتفاع رواناب برابر ارتفاع بارندگی خواهد بود. این شاخص به عواملی همچون گروه هیدرولوژیکی خاک، پوشش گیاهی، تراکم کاربری و بافت خاک بر اساس راهنمای ارائه‌شده توسط سازمان حفاظت خاک آمریکا به دست می‌آید که ابتدا بر اساس بافت خاک گروه هیدرولوژیکی خاک تعیین و سپس بر اساس جدول (علیزاده، ۱۳۹۰) مربوط با تطبیق تراکم کاربری و گروه هیدرولوژیکی، شماره‌ی منحنی به دست می‌آید.

### شرح و تفسیر نتایج

در پژوهش پیش رو، تغییرات پوشش گیاهی واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی و تأثیر آن بر تولید رواناب بر اثر توسعه سکونتگاهی از طریق روش بارش-رواناب برای بازه زمانی ۲۹ ساله (۲۰۱۸-۱۹۹۱) در واحد اِچ.آر.یو بررسی شد. نتایج تحقیق تعداد ۲۳ واحد پاسخ هیدرولوژیکی را نشان می‌دهد. به طوری که تنوع بیش‌تر واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی در نیمه‌ی غربی و شمال‌غربی حوضه دیده می‌شود که علت آن تنوع شیب و کاربری اراضی در این بخش حوضه است. جهت بررسی وضعیت پوشش گیاهی و برآورد میزان تغییرات آن در یک دوره ۲۹ ساله از شاخص تفاضل گیاهی نرمال شده، در حوضه چشمه کیله استفاده شد. بر اساس وضعیت پوشش گیاهی منطقه مطالعاتی در سال ۱۹۹۱ در واحدهای شمالی و مرکزی حوضه میزان شاخص ان‌دی.وی.آی ۰/۵ تا ۰/۷۵ و بیشتر از ۰/۷۵ است؛ که پوشش گیاهی زیاد و خیلی زیاد را نشان می‌دهد. این میزان در واحدهای غربی، جنوبی و شرقی کمتر از ۰/۲۵ و ۰/۵ بوده و گویای پوشش گیاهی خیلی کم و کمی است (شکل ۵). طبق شاخص تفاضل گیاهی نرمال شده در سال ۲۰۱۸ (شکل ۶) میزان تراکم پوشش گیاهی با گذشت زمان کاهش یافته؛ به طوری که واحدهای بیشتری نمایانگر میزان ان‌دی.وی.آی کمتر از ۰/۲۵ هستند و میزان ان‌دی.وی.آی بالاتر از ۰/۷۵ نیز در حوضه مطالعاتی مشاهده نمی‌شود. همچنین طبق میزان تغییرات پوشش گیاهی ۲۹ ساله حوضه چشمه کیله (شکل ۷) واحدهای غربی و جنوب‌غربی حوضه تقریباً بدون تغییرات (۰/۰ تا ۰/۰۵-) است. وجود واحدهای بدون تغییرات در سطح حوضه مطالعاتی ناشی از حفظ و تقویت پوشش گیاهی، احیای

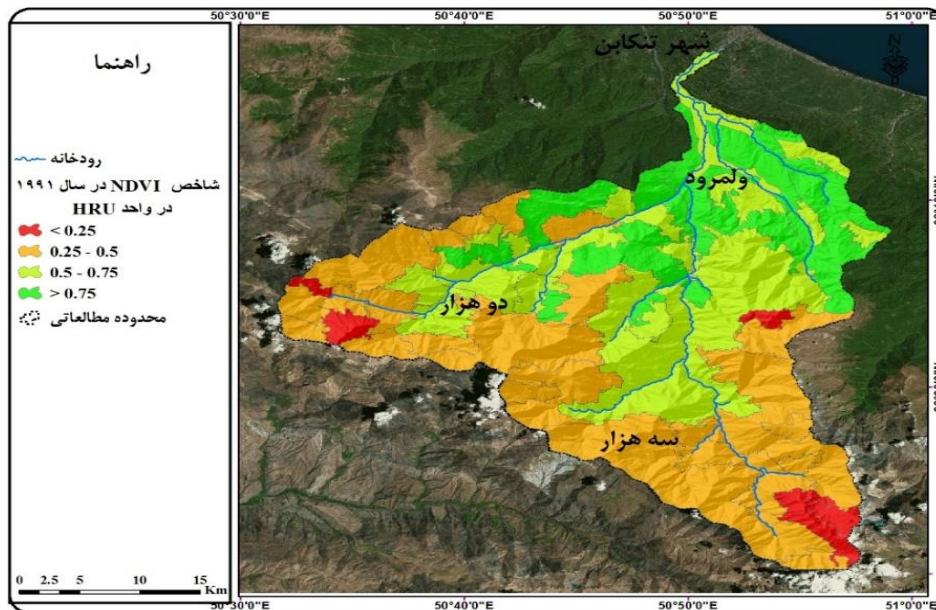
۱. Inverse Distance Weighted (IDW)

۲. Arc MAP

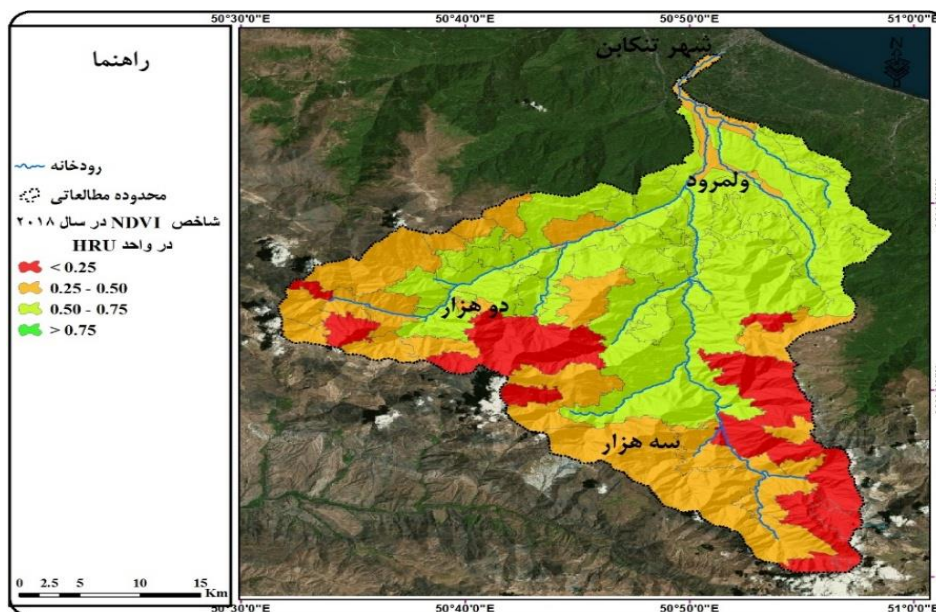
۳. Curve Number (CN)



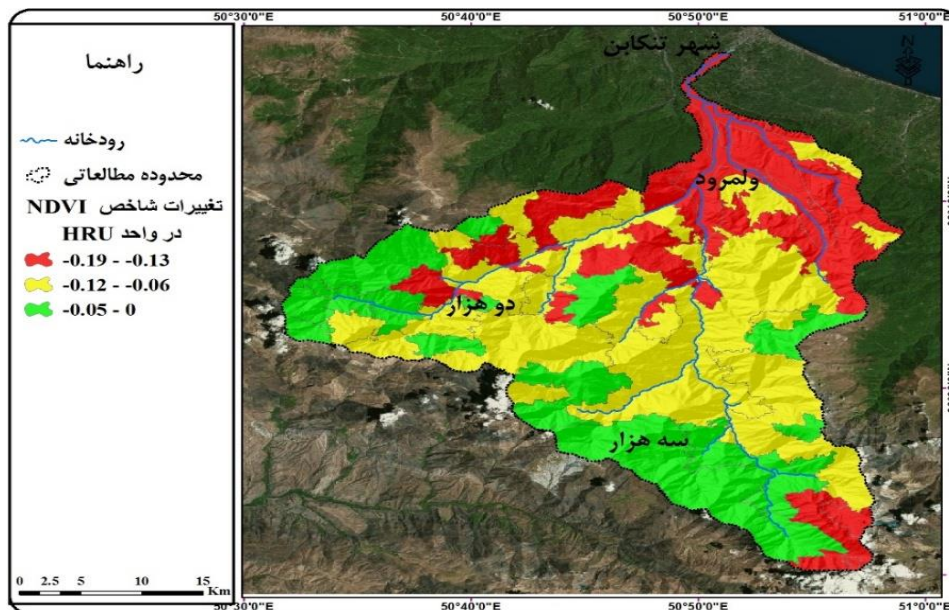
برنامه‌های تنفس جنگل، آموزش روستانشینان، خروج دام از جنگل، اجرای طرح‌های هادی روستایی جهت جلوگیری از ساخت‌وسازهای بی‌رویه در این مناطق است. در واحدهای پاسخ هیدرولوژیک شمالی، شمال‌شرقی و جنوبی، کاهش متراکم پوشش گیاهی (۰/۱۳- تا ۰/۱۹-) مشخص است و سایر واحدهای پاسخ هیدرولوژیک موجود در مرکز و قسمتی از واحدهای شرقی و غربی حوضه نیز کاهش تنک پوشش گیاهی (۰/۰۶- تا ۰/۱۲-) را نشان می‌دهد که از جمله دلایل کاهش پوشش گیاهی را می‌توان افزایش ساخت‌وسازهای بی‌رویه و تخریب جنگل توسط انسان دانست.



شکل (۵) نقشه وضعیت پوشش گیاهی منطقه مورد مطالعه در سال ۱۹۹۱

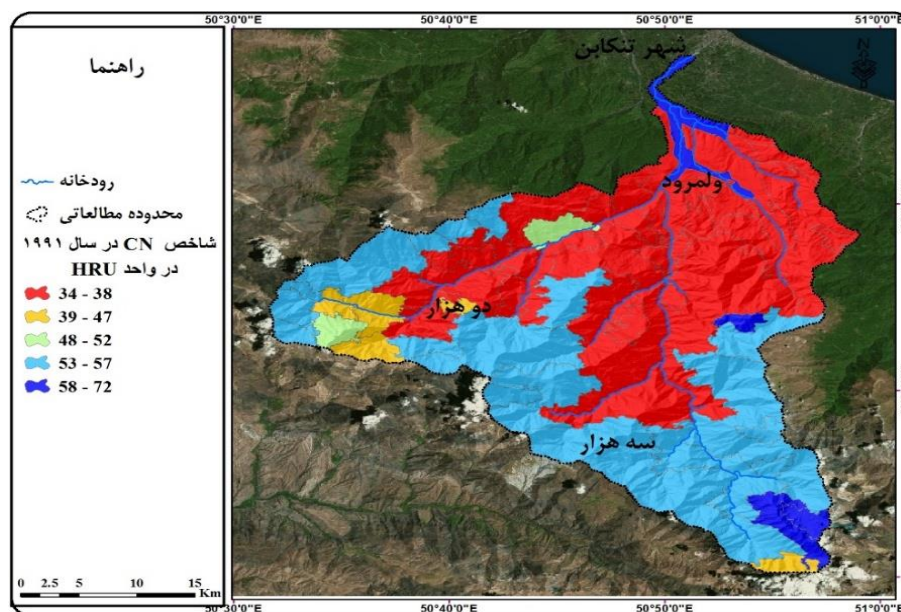


شکل (۶) نقشه وضعیت پوشش گیاهی منطقه مورد مطالعه در سال ۲۰۱۸

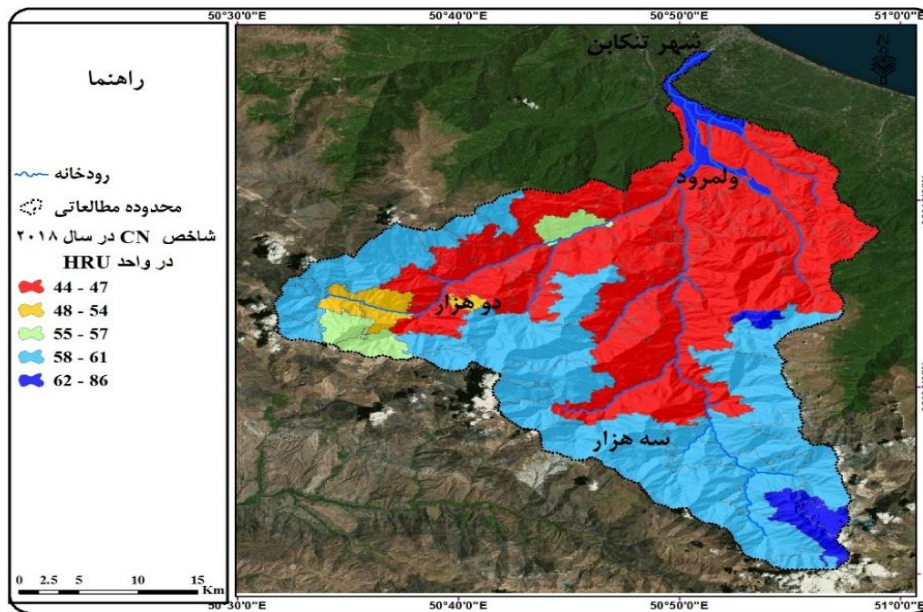


شکل (۷) نقشه تغییرات وضعیت پوشش گیاهی از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸

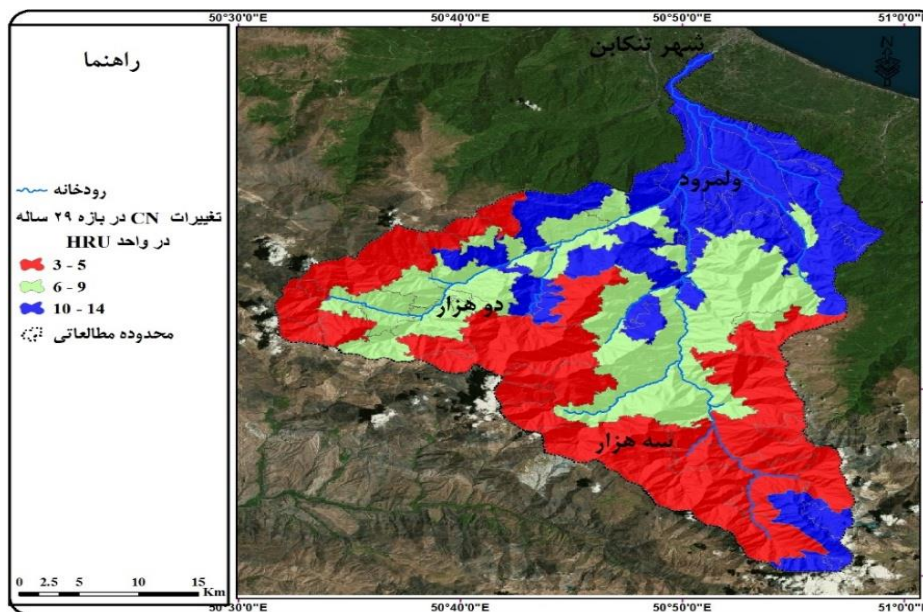
با استخراج واحدهای پاسخ هیدرولوژیک به عنوان پایه‌ی واحد مطالعاتی، جهت مدل‌سازی بارش-رواناب، در ابتدا با توجه به نوع بافت خاک، گروه‌های هیدرولوژیک تعیین شد. در نهایت با تلفیق گروه‌های هیدرولوژیک و کاربری اراضی، برای هر یک از واحدهای پاسخ هیدرولوژیک میزان شماره منحنی اختصاص داده در دو بازه زمانی ۱۹۹۱ و ۲۰۱۸ به دست آمد (شکل ۸ و ۹).



شکل (۸) نقشه شماره منحنی منطقه مورد مطالعه در سال ۱۹۹۱



شکل (۹) نقشه شماره منحنی منطقه مورد مطالعه در سال ۲۰۱۸



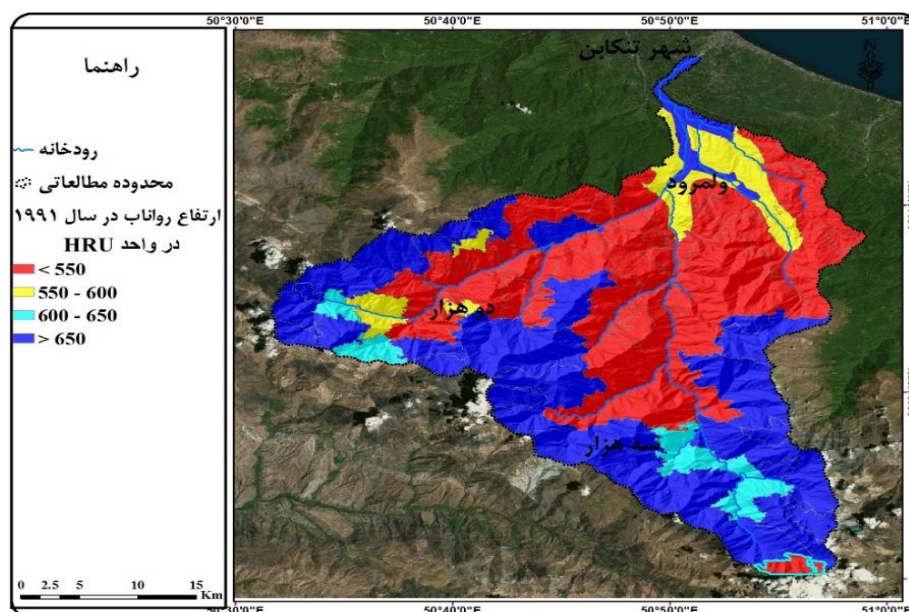
شکل (۱۰) نقشه تغییرات شماره منحنی از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸

مقایسه وضعیت شماره منحنی ۲۹ ساله گویای افزایش میزان سی‌ان‌سی از سال ۱۹۹۱ به سال ۲۰۱۸ است. در هر دو سال واحدهای پاسخ هیدرولوژیک جنوبی مقادیر شماره منحنی کم‌تری نسبت به واحدهای شمالی حوضه دارد (شکل ۸ و ۹) که علت آن خاک نفوذناپذیر، شیب نسبتاً زیاد، تراکم کم پوشش گیاهی و گستردگی گروه‌های هیدرولوژیکی خاک با نفوذپذیری کم و خیلی کم<sup>۱</sup> است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که با گذشت سال‌ها انسان به‌منظور انجام فعالیت‌های خود نوع کاربری اراضی را به کاربری‌های انسانی تغییر داده است که این امر در میزان نفوذپذیری و تولید رواناب و در نهایت سیل‌خیزی اراضی نقش بزرگی دارد. تغییرات شماره منحنی در بازه زمانی ۲۹ ساله گویای روند افزایشی تغییرات

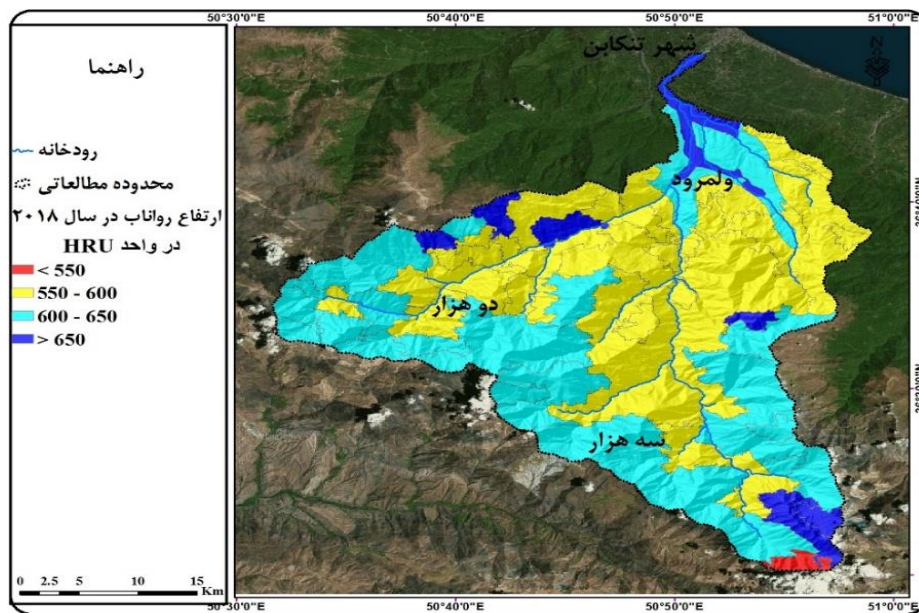
۱. منظور گروه‌های هیدرولوژیکی C و D است.

است؛ اما واحدهای شمالی و بخشی از واحدهای مرکزی و جنوبی، تغییرات افزایشی بیش‌تری (۱۴-۱۰) نسبت به سایر واحدهای هیدرولوژیک حوضه مطالعاتی نشان می‌دهند. واحدهای غربی و مرکزی، افزایش متوسطی (۹-۶) و سایر واحدهای حوضه در قسمت‌های غربی، جنوبی و شرقی نیز افزایش کمی (۵-۳) دارند (شکل ۱۰). این‌که تغییرات شاخص سی‌ان، روندی افزایشی دارد ناشی از تغییر وضعیت پوشش گیاهی و تغییر نحوه و میزان دخل و تصرف انسان بر زمین از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۱۸ است.

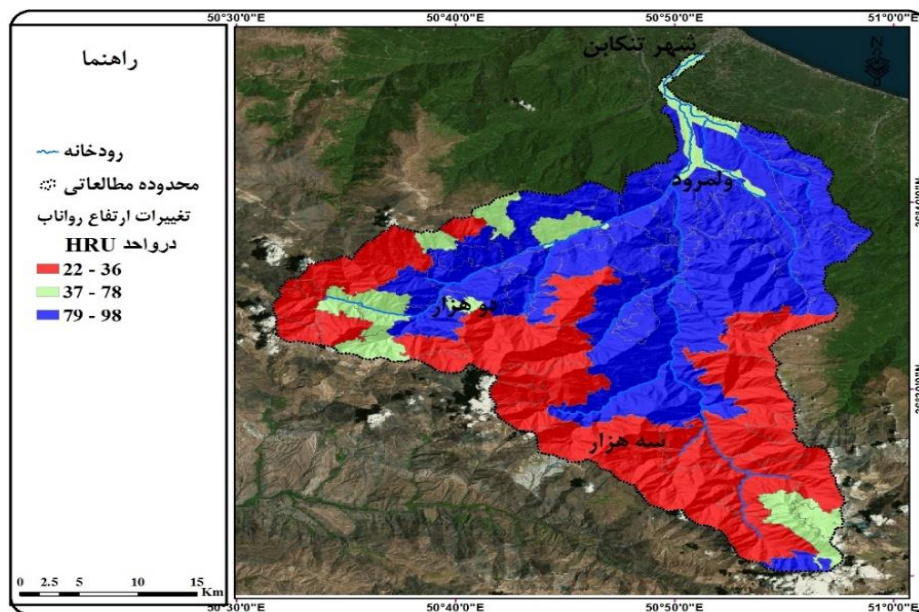
بعد از برآورد شماره منحنی، با توجه به مقادیر شماره منحنی به دست آمده برای هر واحد پاسخ هیدرولوژیک، مقدار توان نگهداشت رطوبت خاک برای هر واحد در دو سال ۱۹۹۱ و ۲۰۱۸ استخراج شد. بعد از تعیین مقادیر شماره منحنی و میزان نفوذپذیری، میزان رواناب تولیدشده در منطقه مورد مطالعه برای هر واحد به دست آمد (شکل‌های ۱۱ و ۱۲). طبق نتایج حاصل از برآورد میزان رواناب تولیدی برای سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۱۸، بیش‌ترین (بیش‌تر از ۶۵۰ میلی‌متر) ارتفاع رواناب تولیدی در حوضه چشمه کیله مربوط به خروجی حوضه و واحدهایی پراکنده در سطح حوضه است؛ همچنین واحدهای بالادست حوضه نیز رواناب زیادی (۶۰۰ تا ۶۵۰ میلی‌متر) تولید می‌کنند که عواملی از قبیل شیب نسبتاً زیاد، بیرون‌زدگی سنگی در سطح حوضه، خاک کم‌عمق بر روی شیب‌های زیاد و تراکم کم پوشش گیاهی در کاهش نفوذپذیری و افزایش تولید رواناب نقش داشته است. البته این روند در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۱۹۹۱ تشدید شده است. در نتیجه با مقایسه ارتفاع رواناب از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۱۸ می‌توان نتیجه گرفت که ارتفاع رواناب تولیدی افزایش یافته است (شکل ۱۳). واحدهای پاسخ هیدرولوژیک شمالی تا قسمت‌هایی از واحدهای مرکزی به سمت جنوب و غرب حوضه مطالعاتی از نظر میزان ارتفاع رواناب در بازه ۲۹ ساله بیش‌ترین تغییر افزایشی (۹۸-۷۹) را دارند. همچنین واحدهایی به صورت پراکنده در قسمت‌های شمالی، غربی و جنوبی حوضه میزان افزایش متوسطی (۷۸-۳۷) را نشان می‌دهند. افزایش ارتفاع رواناب از سال ۱۹۹۱ به سال ۲۰۱۸ ناشی از تغییر کاربری‌ها، ضعف پوشش گیاهی و تخریب جنگل‌ها و زمین‌های زراعی و مرتعی است. کم‌ترین میزان تغییرات افزایشی (۳۶-۲۲) نیز در واحدهای پاسخ هیدرولوژیک جنوبی، غربی و شرقی حوضه قابل مشاهده است.



شکل (۱۱) نقشه ارتفاع رواناب (میلی‌متر) منطقه مورد مطالعه در سال ۱۹۹۱



شکل (۱۲) نقشه ارتفاع رواناب (میلی متر) منطقه مورد مطالعه در سال ۲۰۱۸



شکل (۱۳) نقشه تغییرات ارتفاع رواناب (میلی متر) از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۸

جمعیت شهری و روستایی شهرستان تنکابن طی دوره آماری ۱۳۹۵-۱۳۶۵ از ۱۶۰۰۴۱ نفر در سال ۱۳۶۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷) به ۱۶۶۱۳۲ نفر در سال ۱۳۹۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷) افزایش یافته است. البته در سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان تنکابن ۱۹۴۷۱۹ نفر بوده که این مقدار در سرشماری سال ۱۳۹۵ به دلیل جدا شدن شهرستان عباس آباد کاهش یافته است. در واقع در طول بازه زمانی ۲۹ ساله (۲۰۱۸-۱۹۹۱) با افزایش جمعیت سکونتگاهی در شهرستان تنکابن، حوضه چشمه کیله از نظر پوشش گیاهی و کاربری اراضی تغییر ماهیت داده است به طوری که با توجه به شاخص تفاضل گیاهی نرمال شده، میزان و تراکم پوشش گیاهی کاهش یافته است؛ لذا این تغییرات در میزان نفوذپذیری و در پی آن ارتفاع رواناب نیز اثرگذار است. این تغییرات در واحدهای شمالی حوضه مشخص تر است.

## نتیجه گیری

امروزه با توجه به تغییرات اقلیمی و تغییر ماهیت شرایط اقلیمی از جمله تغییر کمی و کیفی بارش‌ها و همچنین دستکاری انسان در طبیعت و تغییرات کاربری‌ها به خصوص در حوضه‌های آبریز بالادستی رودخانه‌ها، بر حجم مخاطرات از جمله سیلاب افزوده شده است که ضرورت شناخت پهنه‌های در معرض خطر و آمادگی برای خدمات رسانی در زمان بحران وجود دارد. این مطالعه با هدف بررسی اثرات کاربری اراضی بر وقوع و افزایش سیل در حوضه آبریز چشمه کیله در اثر توسعه سکونتگاهی صورت گرفته و واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی (اچ.آر.یو) به عنوان واحد کاری معرفی گردیده است. بدین منظور از مدل رقومی ارتفاع، کاربری اراضی، گروه‌های هیدرولوژیکی خاک استفاده شد و همچنین به کمک تصاویر ماهواره‌ای لندست (۵ و ۸) و استفاده از شاخص گیاهی تفصیلی نرمال شده (ان.دی.وی.آی) تغییرات پوشش گیاهی در دو مقطع زمانی ۱۹۹۱ و ۲۰۱۸ به منظور محاسبه میزان سی‌ان استخراج شده و با استفاده از روش اس.سی.اس قابلیت تولید رواناب در قالب ساختار داده رستری مدل سازی شده است.

در طول چند سال اخیر، تجربه نشان داده است که رواناب و به دنبال آن سیل در زمان بارش در بیشتر استان‌های ایران جاری می‌شود و روزه‌روز نیز وسعت و شدت می‌یابد که این امر بیانگر تغییرات کاربری اراضی و پوشش گیاهی در اثر توسعه مناطق سکونتگاهی شهری و روستایی است. درک تأثیرات هیدرولوژیکی توسعه کاربری‌های سکونتگاهی در حوضه‌های آبریز برای برنامه‌ریزان و مسئولان شهری و روستایی ضروری است. لذا برای بررسی تأثیر تغییرات کاربری و پوشش اراضی بر رژیم هیدرولوژیکی حوضه مورد مطالعه از روش بارش-رواناب استفاده شد. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که میزان و تراکم پوشش گیاهی از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۱۸ به دلیل دخل و تصرف انسان به منظور توسعه سکونتگاهی کاهش یافته است؛ در واقع، توسعه سکونتگاهی به معنای اعم، تغییر کاربری و تخریب زمین‌های زراعی و باغی در مناطق ییلاقی به منظور ویلا سازی و بورس بازی زمین در هر سال باعث شده تا سطوح نفوذپذیر به سطوحی کاملاً غیر قابل نفوذ (از قبیل: خیابان‌ها و معابر پوشیده شده از آسفالت و موزاییک و غیره) تبدیل شود که حاکی از کاهش نفوذپذیری حوضه چشمه کیله و به دنبال آن سیل خیز شدن این حوضه بر اثر تغییر کاربری و پوشش اراضی است. این امر افزایش آسیب‌پذیری ناشی از سیلاب را در نواحی مسکونی در پی دارد. همچنین تحلیل یافته‌های تحقیق مؤید این موضوع است که استخراج و استفاده از واحدهای پاسخ هیدرولوژیکی به عنوان واحدهای کاری به خوبی می‌تواند رابطه بین فرم و فرآیندهای ژئومورفولوژیکی را نشان دهد و جایگزینی مناسب برای زیرحوضه‌ها در مطالعات ژئومورفولوژی باشد؛ در واقع واحد پاسخ هیدرولوژیکی به عنوان یک واحد پایه در شناسایی دقیق‌تر قابلیت تولید رواناب کارایی بالاتری نسبت به استفاده از زیرحوضه‌ها دارد و به خوبی می‌تواند نشان‌دهنده ویژگی‌های هیدروژئومورفولوژیکی حوضه‌های آبریز باشد. همچنین با قابلیت بسط و گسترشی که دارد حتی می‌توان تأثیر سایر فرآیندهای تغییر شکل‌دهنده لندفرم‌ها از جمله حرکات زمین‌ساختی و غیره را نیز با استفاده از آن‌ها مطالعه نمود؛ بنابراین بهتر است به عنوان رویکردی جدید به عنوان کوچکترین واحد مطالعاتی در مطالعات ژئومورفولوژیکی مورد استفاده قرار گیرد. نتایج تحقیق همانند مطالعات احمدآبادی و همکاران (۱۳۹۴) نشان‌دهنده این امر است که استفاده از واحد پاسخ هیدرولوژیکی به عنوان واحد پایه در شناسایی دقیق‌تر قابلیت رواناب حوضه مطالعاتی مناسب است. تغییرات کاربری اراضی و توسعه سکونتگاهی باعث افزایش دبی و ایجاد سیلاب در حوضه آبریز چشمه کیله شد که نتایج این پژوهش با یافته‌های رزمخواه و همکاران (۱۳۸۸)، قدوسی (۱۳۸۸) و مطیعی (۱۳۸۸) مطابقت دارد. یاراحمدی و نیکجو (۱۳۹۱) نیز مقدار شماره منحنی را برای سال‌های ۲۰۰۰

و ۲۰۰۵ شبیه‌سازی کردند که نتایج گویای کاهش ۳۶ درصدی دبی سیلابی بود در حالی که در تحقیق پیش رو پتانسیل تولید رواناب در حوضه چشمه کیله افزایش یافته است. لذا لازم به ذکر است که کاهش دبی در مطالعه یاراحمدی و نیکجو به دلیل احداث عملیات سازه‌ای در محدوده مطالعاتی بود.

## منابع

- احمدآبادی، علی؛ امیر کرم و محسن پوربشیر هیر. ۱۳۹۴. تحلیل هیدروژئومورفولوژی واحدهای پاسخ هیدرولوژی (HRU) در حوزه‌ی آبخیز قره‌سو اردبیل. *دوفصلنامه‌ی ژئومورفولوژی کاربردی ایران*، ۵: ۷۳-۵۹.
- امیری، مریم. ۱۳۸۵. *کالیبراسیون و ارزیابی مدل هیدرولوژیکی SWRRB به منظور شبیه‌سازی رواناب (مطالعه موردی: حوزه آبخیز کسلیان)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی. دانشگاه مازندران.
- بهشتی‌جاوید، ابراهیم؛ فریبا اسفندیاری درآباد و شهرام روستایی. ۱۳۹۷. ارزیابی تأثیر مورفومتری لندفرم‌ها بر روی سیل‌خیزی حوضه‌های آبریز (مطالعه موردی: حوضه‌های شمالی کوهستان سیلان). *هیدروژئومورفولوژی*، ۱۶: ۱۹۷-۱۷۷.
- ثروتی، محمدرضا؛ محمود احمدی، کاظم نصرتی و مهدی مزبانی. ۱۳۹۲. پهنه‌بندی پتانسیل سیل‌خیزی حوضه آبریز سراب دره‌شهر. *جغرافیا*، ۳۶: ۷۷-۵۵.
- ربانی‌ها، مهناز. ۱۳۹۵. *مطالعات زیست‌محیطی و اکولوژیک در البرز شمالی (استان گلستان) باهدف توسعه شیلاتی*. موسسه تحقیقات علوم شیلاتی کشور.
- رئبسی، محمدحسین. ۱۳۸۸. مدیریت آب‌های سطحی در طرح‌های جامع شهر تهران. مجموعه مقالات اولین همایش آبخیزداری تهران.
- رزمخواه، هما و محمدعلی بهارلو. ۱۳۸۸. بررسی تأثیر توسعه شهری بر پاسخ هیدرولوژیکی حوضه آبریز و افزایش سیلاب رودخانه مارون. *همایش ملی مدیریت بحران آب*. مردودشت.
- صادقی، سیدحمیدرضا؛ رامین جلالی راد و محمد حاجی قلی زاده. ۱۳۸۸. شبیه‌سازی سیل در دو حوزه آبخیز شهری تهران. *مقالات اولین همایش آبخیزداری شهری*. تهران.
- قدوسی، جمال. ۱۳۸۸. تحلیل راهبردها، امکانات و روش‌های استحصال آب با رویکرد آبخیزداری شهری. *مجموعه مقالات اولین همایش آبخیزداری شهری*. تهران.
- قنواتی، عزت‌اله. ۱۳۹۲. پهنه‌بندی خطر سیلاب کرج با استفاده از منطق فازی. *جغرافیا و مخاطرات محیطی*، ۸: ۱۱۳-۱۳۱.
- قنواتی، عزت‌اله؛ امیر صفاری، امیر کرم، اسماعیل نجفی و غلامحسین جهاندار. ۱۳۹۵. بررسی ویژگی‌های هیدروژئومورفولوژیکی حوضه‌های آبریز کلان‌شهر تهران با تأکید بر سیل‌خیزی. *هیدروژئومورفولوژی*، ۶: ۵۴-۳۳.
- لاجوردی، محمود؛ شهریار خالدی و شاپور ستاری. ۱۳۹۲. پهنه‌بندی پتانسیل سیل‌خیزی حوضه‌ی آبریز مردق‌چای (آذربایجان شرقی). *نشریه‌ی علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۴۴: ۲۷۳-۲۵۵.
- محمدی، حسین و علی پناهی. ۱۳۸۵. برآورد میزان رواناب با استفاده از روش SCS و GIS در حوضه‌ی آبریز قلعه چای آذربایجان شرقی. *نشریه‌ی انجمن جغرافیایی ایران*، ۱۰ و ۱۱: ۱۲۳-۱۱۹.
- مطیعی، همایون. ۱۳۸۸. مدل‌سازی و مدیریت سیلاب در حوضه‌های آبریز شهری. *مجموعه مقالات اولین همایش آبخیزداری شهری*. تهران.
- یاراحمدی، جمشید و محمدرضا نیکجو. ۱۳۹۱. بررسی تأثیر تغییرات کاربری اراضی بر وقوع سیلاب‌ها در حوضه صوفی‌چای. *نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۳۹: ۱۶۹-۱۵۱.

Chen, Y., Xu, Y., & Yin, Y. (۲۰۰۹). Impacts of land use change scenarios on storm-runoff generation in Xitiao basin, China. *Quaternary International*, (۱-۲), ۱۲۱-۱۲۸.

Du, J., Qian, L., Rui, H., Zuo, T., Zheng, D., Xu, Y., & Xu, C. Y. (۲۰۱۲). Assessing the effects of urbanization on annual runoff and flood events using an integrated hydrological modeling system for Qinhui River basin, China. *Journal of Hydrology*, ۴۶۴-۴۶۵(۰), ۱۲۷-۱۳۹.

Flugel, W.A. (۱۹۹۰). Delineating hydrological response units by geographical information system analyses for regional hydrological modelling using PRMS/MMS in the drainage basin of the River Brol, Germany. *Hydrological processes*. IAHS Publ. Volume ۲۳۱, ۷۹-۸۹.

- Lagacherie, P., Rabotin, M., Colin, F., Moussa, R., & Voltz, M. (۲۰۱۰). Geo-MHYDAS: A landscape discretization tool for distributed hydrological modeling of cultivated areas. *Computers & Geosciences*, Volume ۳۶: ۱۰۲۱-۱۰۳۲.
- Marcos, H.C., Aurelie, B., & Jeffrey, A.C. (۲۰۰۳). Effects of large-scale changes in land cover on the discharge of the Rocantins River, Southeastern Amazonia. *Journal of Hydrology*, ۲۸۳:۲۰۶-۲۱۷.
- Miller, J. D., Hess, T. ۲۰۱۷. Urbanisation impacts on storm runoff along a rural-urban gradient. *Journal of Hydrology*, ۵۵۲: ۴۷۴-۴۸۹.
- Nie, W., Yuan, Y., Kepner, W., Nash, M. S., Jackson, M., & Erickson, C. (۲۰۱۱). Assessing impacts of landuse and landcover changes on hydrology for the upper San Pedro watershed. *Journal of Hydrology*, ۴۰۷(۱-۴), ۱۰۵-۱۱۴.
- Nirupama, N., & Simonovic, S. (۲۰۰۷). Increase of flood risk due to urbanisation: A Canadian Example. *Natural Hazards*, ۴۰(۱), ۲۵-۴۱.
- Rouse, J.W., Haas, R.H., Schell, J.A. & Deering, D.W. (۱۹۷۳). Monitoring vegetation systems in the Great Plains with ERTS. In *3<sup>rd</sup> ERTS Symposium, NASA, SP-۳۵۱ I*, ۳۰۹-۳۱۷.
- Sala, O. E., Chapin, F. S., Armesto, J. J., Berlow, E., Bloomfield, J., Dirzo, R.... & Wall, D. H. (۲۰۰۰). Global biodiversity scenarios for the year ۲۱۰۰. *Science*, ۲۸۷(۵۴۵۹), ۱۷۷۰-۱۷۷۴.
- Sanzana, P. Jankowfsky, S. Branger, F. Braud, I. Vargas, X. Hirschfeld, N & Gironas, J. (۲۰۱۳). Computer-assisted mesh generation based on hydrological response unit for distribute hydrological modeling. *Computer & geosciences*, Volume ۵۷, ۳۲-۴۳.
- Shi, P. J., Yuan, Y., Zheng, J., Wang, J. A., Ge, Y. & Qiu, G. Y. (۲۰۰۷). The effect of land use/cover change on surface runoff in Shenzhen region, China. *CATENA*, ۶۹(۱), ۳۱-۳۵.
- Sika, A. K., Sarma, J., Sharda. S.V. N., Samraj, P. & Akashmanam, S. (۲۰۰۳). Low Flow and High Flow Responses to Converting Natural Grassland in to Blugeum (Eucalyptus Globules) in Nilgiris Watersheds of South India. *Journal of Hydrology*, ۲۷۰, ۱۲-۲۶.
- Singh, V. P. (۱۹۹۸). *Hydrologic System, Rainfall Runoff Modeling*. Vol. ۱, John Wiley and Sons, UK.
- Su, M. W.J. Stolte and G. van der Kamp, (۱۹۹۷). Modelling wetland hydrology using SLURP, Proc. Scientific Meeting of the Canadian Geophysical Union, Banff, Alberta.